

«لباس شخصی» را فیلمبرداری کرده بود و حتی طراح صحنه و لباس هر دو پروژه هم دکتر محمدرضا شجاعی عزیز بود، احساس کردم تفاوت‌های خیلی زیادی میان نقش سعید در فیلم «ضد» با یاسر در «لباس شخصی» وجود دارد. قصه فیلم هم پرداخت خوبی داشت. تجربه همکاری قبلی‌ام با این تیم هم برایم بسیار خوشایند بود و نتیجه خوبی به همراه داشت. به دلیل جمیع این موارد ایفای نقش در «ضد» را پذیرفتم.

با توجه به اینکه اشاره کردید علاقه‌ای به بازی در برخی پیشنهادها نداشتید، آیا بازی در نقش‌های سیاسی را دوست دارید؟

اساساً علاقه‌ای تکرار بازی در یک ژانر خاص ندارم. «ضد» از نظر ژانر یک فیلم جاسوسی و عاشقانه محسوب می‌شود اما علاقه خودم به ایفای نقش در فیلم‌های اجتماعی است. نه اینکه فیلم‌های اجتماعی و جبهه بهتری داشته باشند، اما به‌عنوان بازیگر احساس می‌کنم تنوع نقش‌های بیشتری در فیلم‌های اجتماعی وجود دارد.

اما نقش شما در فیلم ضد کاملاً سیاسی است.

آن گونه که سیاسی بودن فیلم دغدغه امیرعباس ربیعی است، من دغدغه و اولویت سیاسی برای انتخاب نقش ندارم. شاید به دلیل این که تنوع نقش در فضاهای دیگر برای من بیشتر است و چالش بیشتری برای من ایجاد می‌کند. امیرعباس ربیعی هر چقدر هم که اعتقادهای سیاسی داشته باشد، در نهایت هنر برایش ارجحیت دارد. در خروجی کار، ربیعی انصاف به خرج داده و باعث شده است نقش‌ها در فیلم «لباس شخصی» و فیلم «ضد» تک‌بعدی نباشند. در این آثار نقش‌های خوب قصه هم نقاط ضعف دارند و این عین زندگی است. از این جهت برای من بازیگر تنوع دارد و این ترس برایم وجود ندارد که در کارهای ربیعی گرفتار کلیشه شوم زیر نقش‌ها شبیه ابرقهرمان‌ها نباشند. «سعید» در تمام کارهایی که انجام می‌دهد، مبتدی است. ۲ سال پیش سمپات مجاهدین بوده ولی در حال حاضر در حزب جمهوری حضور دارد. سرگشتگی «سعید» ادانیست و واقعاً گرفتار آن است؛ این سرگشتگی در وجه عاشقانه و همچنین سیاسی زندگی‌اش وجود دارد. به سردرگمی «سعید» فکر کرده بودم ولی خود من هم در جای جای فیلمبرداری از شخصیت دور می‌شدم و سعی می‌کردم دوباره به آن نزدیک شوم. برای همین از امیرعباس ربیعی کمک می‌گرفتم و تحلیل بازیگران مقابلم را می‌شنیدم. کلاً در فیلم «ضد» برای ایفای نقش «سعید» حرف گوش کن شده بودم زیرا دچار تردید می‌شدم.

با بررسی دو کار اخیر عباس ربیعی به نظر می‌رسد او غیر از عوامل پشت دوربین، در زمینه ترکیب بازیگران هم به دنبال تشکیل یک تیم همراه برای ادامه فیلمسازی است. شما هم چنین برداشتی دارید؟

در زمینه بازیگران اصلی که این گونه نیست. غیر از من دیگر بازیگران اصلی فیلم «ضد» عبارتند از لیلا زارع، لهندا کیانی و نادر سلیمانی که در فیلم «لباس شخصی» نبودند. در زمینه بازیگران فرعی اما بله این اتفاق افتاده و از برخی بازیگران همان پروژه در این کار نیز استفاده شده است. با این حال در این مورد طبیعتاً امیرعباس ربیعی باید پاسخگو باشد. من اطلاعی از این رویکرد ندارم. درباره انتخاب من این تکرار در ۲ پروژه اتفاق افتاده است اما دوستان دیگری در «لباس شخصی» چه در پشت صحنه و چه در ترکیب بازیگران بودند که در پروژه «ضد» حضور ندارند. جواب دقیق‌تر در این زمینه را خود امیرعباس ربیعی می‌تواند بدهد.

خیلی تلاش کردم شخصیت سعید شکل بگیرد. شخصیت پیچیده‌ای است که ایفای نقش آن برایم بسیار دوست‌داشتنی و البته خیلی خیلی سخت بود. هم به لحاظ فیزیکی و بیشتر به لحاظ روحی و روانی، نقش درگیرکننده‌ای بود. نقشی نبود که بتوان در روال عادی زندگی آن را ایفا کرد. از زمانی که صحنه فیلمبرداری را ترک می‌کردم، درگیر این کاراگر بودم تا زمانی که فردا صبح مجدد سر صحنه حاضر شوم

چقدر حضور در فیلم‌های تاریخی و بویژه تاریخ معاصر دغدغه شماست؟

اساساً علاقه‌ای تکرار بازی در یک ژانر خاص را ندارم. «ضد» از نظر ژانر یک فیلم جاسوسی و عاشقانه محسوب می‌شود اما علاقه خودم همان طور که اشاره کردم به ایفای نقش در فیلم‌های اجتماعی است. نه اینکه فیلم‌های اجتماعی و جبهه بهتری داشته باشند، اما به‌عنوان بازیگر احساس می‌کنم تنوع نقش‌های بیشتری در فیلم‌های اجتماعی وجود دارد و به همین دلیل علاقه‌مندم ورود به این نوع از سینما هستم. چه امیرعباس ربیعی و چه دیگر کارگردانانی که با آن‌ها کار نکرده‌ام، اگر فیلم اجتماعی بسازند از آن استقبال می‌کنم. اگر ۲ نقش مشابه در ۲ فیلم پیشنهاد شود، احتمالاً فیلمی را که داستان اجتماعی داشته باشد را انتخاب خواهم کرد.

به کرونا و توقیف فیلم لباس شخصی اشاره کردید. این شرایط چقدر در کمتر دیده شدن شما تأثیر داشته است؟

قطعا تأثیر داشته است. خودم فکر می‌کردم با توجه به برنامه‌ای که تیم تولید فیلم تدارک دیده و به گوش ما هم رسیده بود، قرار بود فیلم «لباس شخصی» پس از رونمایی در جشنواره روانه اکران شود. فیلم به‌عنوان فیلم یک

کارگردان فیلم‌اولی به خوبی در جشنواره فیلم فجر دیده شد اما جلوی اکران عمومی آن را گرفتند. از طرف دیگر هم کرونا رسید و کلاً فعالیت‌های سینمایی کاهش پیدا کرد. این شرایط با توقیف فیلم ما هم همراه شد و اتفاقی که باید رخ می‌داد کامل نشد. طبیعتاً در یک فیلم که بازی می‌کنید، بعد از آن در جشنواره اکران می‌شود و بعد مردم در اکران عمومی کار شما را می‌بینند و همین باعث می‌شود تا به‌عنوان یک بازیگر، اتفاقی که باید برای شما بیفتد. گویی پروسه کار من در «لباس شخصی» با جلوگیری از اکران عمومی آن، کامل نشد و اخته ماند. شاید اگر فیلم به موقع اکران می‌شد، من در جشنواره سال قبل هم می‌توانستم فیلمی داشته باشم، نه اینکه با یک سال غیبت و با عوامل همان فیلم قبلی امکان حضور در جشنواره فجر را پیدا کنم

به بازی در نقش سعید اشاره کردید و اینکه او یک مبتدی است، در واقع همان طور که در فیلم می‌بینیم او فردی مستأصل و در مواردی متزلزل است، کمی درباره ایفای این نقش بگویید.

درباره این استیصال و اضطرابی که اشاره می‌کنید، به سال‌ها قبل از مقطعی که داستان فیلم شروع می‌شود بازمی‌گردد. فیلم در دهه ۶۰ روایت می‌شود اما به نظر می‌رسد سعید از سال‌ها قبل دچار اضطراب و دوگانگی‌ها در شخصیت خود است. این بخشی از تحلیل شخصیتی است که توسط فیلمنامه‌نویس و کارگردان به من منتقل شد و من هم بر مبنای همان تلاش کردم شخصیت سعید شکل بگیرد. شخصیت پیچیده‌ای است که ایفای نقش آن برایم بسیار دوست‌داشتنی و البته خیلی خیلی سخت بود. هم به لحاظ فیزیکی و بیشتر به لحاظ روحی و روانی، نقش درگیرکننده‌ای بود. نقشی نبود که بتوان در روال عادی زندگی آن را ایفا کرد. از زمانی که صحنه فیلمبرداری را ترک می‌کردم، درگیر این کاراگر بودم تا زمانی که فردا صبح مجدد سر صحنه حاضر شوم. لحظه‌ای شخصیت «سعید» در طول فیلمبرداری من را رها نکرد. این تنها به دلیل وسواس‌های من هم نیست، خود این شخصیت آنقدر قدرتمند است و جزئیات دارد و آنقدر با من متفاوت است که نمی‌توانستم رفت و برگشت داشته باشم. وقتی احساس کردم با هدایت تیم سازنده روی ریل درست ایفای این نقش قرار گرفته‌ام، آن را به فال نیک گرفتم و با کمترین فاصله از آن در طول فیلمبرداری، زندگی کردم. پیچیدگی این کاراگر به پیچیدگی زندگی افرادی برمی‌گردد که در دهه ۶۰ ممکن بود عشق و مشغله‌هایی هم داشته باشند اما همه آن‌ها درگیر با سیاست شده بود. از دانشجویان کارمند، در اوایل دهه ۶۰ سیاست زندگی همه آدم‌ها را احاطه کرده بود. سعید هم به تبعیت از کل جامعه درگیر این شرایط بوده که در روند دراماتیزه شدن زندگی‌اش برای تبدیل شدن به یک روایت سینمایی این چالش‌ها برایش پیچیده‌تر هم شده، سعید کسی است که شاید می‌خواست یک زندگی عادی داشته باشد اما سیاست به جزئیات زندگی‌اش رخنه کرده است.